

تحلیل علل غفلت از علایم آینده بر اساس نشانه‌شناسی

تقی پارسامهر*

چکیده

تامل بر تحولات اجتماعی نشان می‌دهد، که آینده یکباره و ناگهانی نمی‌آید، بلکه علایم و نشانه‌های خود به مثابه پیش‌قراول می‌فرستد. اما برغم اهمیت بنیادین علایم آینده، وارد آگاهی جمعی و فرایندهای سیاستگذاری نمی‌گردند. بر این اساس هدف این مقاله، دست‌یابی به درکی عمیق از علل غفلت از علایم آینده است. بنابراین پرسش اصلی نیز عبارتست از این که چرا و چگونه علایم آینده مورد غفلت قرار می‌گیرند؟

برای تحقق این هدف نظریه‌هایی که تلاش کرده‌اند تا غفلت از آینده و غافل‌گیری را تبیین کنند، مورد بررسی قرار گرفته شده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که نظریه‌های رایج عمدتاً در قلمرو فردی و سازمانی کارآیی دارند در حالی که خود فرد و سازمان به مثابه سوژه، هویت، نقش، و نحوه معنابخشی خود را به محیط و علایم از کلیت‌های بزرگتری معنایی کسب می‌کنند. یعنی خود افراد و سازمان‌ها نیز در معنابخشی به علایم آینده خود مختار نیستند بلکه تحت انقیاد منظومه‌های معنایی بزرگتری هستند. در واقع فرد و سازمان معنایی که به علایم و نشانه‌های محیطی خود می‌دهد از کلیت‌های معنایی کسب می‌کند. در چهارچوب نظری انتخابی این مقاله علل غفلت از علایم آینده را باید به مثابه امری اجتماعی در نظر گرفت، یعنی آگاهی و کنش معنابخشی سوژه (فرد یا سازمان) مفهومی ارتباطی و اجتماعی است و این مفاهیم در بستر مفصل‌بندی‌های معنایی شکل می‌گیرد، نه به صورت مستقل و در خلاء. بنابراین واجد اجتماعی داشتن غفلت از آینده، مرکز ثقل توجه را به نظریه‌های اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد.

از آنجا که این مقاله غفلت از علایم آینده مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌تواند مورد استفاده علاقمندان به آینده پژوهی، سیاست‌گذاران عمومی و اجتماعی، استراتژیست‌های سازمانی و... قرار گیرد.

* پژوهشگر موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۷

پست الکترونیکی نویسنده: parsamehrvision@gmail.com

واژگان کلیدی: نشانه های آینده، غافل گیری، نشانه شناسی، فرایند دلالتی، مفصل بندی های معنایی.
مقدمه

همانگونه که نشانه های جهان کنونی، در گذشته قابل شناسایی هستند، نشانه های جهان آینده نیز در زمان حال، موجود بوده، و قابل معنا بخشی هستند. از نظر فلسفه پدیدار شناسی گاهی اوقات ما نمی توانیم از یک «روی آورد^۱ غایب» بطور مستقیم به یک «روی آورد حاضر» حرکت کنیم، بلکه باید از یک مرحله «روی آورد میانی» عبور کنیم یعنی حرکت از یک روی آورد غایب یا خالی به یک روی آورد میانی^۲ که برای ما حاضر و پر است. سپس می توانیم به روی آورد غایب حرکت کنیم (ساکالوفسکی، ۱۹۳۴) بر این اساس اهمیت علایم و نشانه های آینده برای آینده پژوهی به مثابه «روی آورد میانی» است که آینده پژوه می تواند آگاهی خود را بر روی آورد غایب که همانا آینده های غایب و ناموجود است معطوف کند. در واقع نشانه ها و علایم آینده امکان پژوهش آینده ناموجود را ممکن می سازند.

اما برغم اهمیت غیر قابل تردید «آیات آینده» فهم و اندیشه ورزی درباره آنها در چهارچوب های رایج و در لایه های سطحی امکان ندارد، چرا که چهارچوب های رایج انگاره های رایج را باز تولید می کنند. این مقاله علل غفلت از نشانه های آینده را مورد بررسی قرار می دهد، و تلاش می کند تا به درکی اجتماعی از امر غفلت از آینده، نایل شود.

بیان مساله

در اینجا برای تبیین مساله چند نمونه از غفلت از نشانه های آینده آورده می شود:
سندرم خام فروشی اگر چه امری تاریخی است اما امروز مهمترین بیماری اقتصادی کشور است. چرا که دشمنان با توجه به رسوب خام فروشی در کشور بر سر صدور نفت برای جبهه مقاومت بلندمدت انقلاب اسلامی موانع ایجاد کرده اند. گردابه های ناشی از خام فروشی قدرت ملی و بین المللی کشور را دچار آسیب می کند و قابلیت های بین نسلی کشور را به اضمحلال می کشاند. رهبر بزرگ انقلاب در مناسبات های مختلف تله های خطرناکی ناشی از وابستگی به نفت را که امروزه کشور با آنها مواجه است، بارها هشدار داده بودند. این نشانه ها و علایم هشدار دهنده و بیدارساز قابل ردیابی است. اما در سال های گذشته، این نشانه ها وارد گفتمان های سیاست گذاری نگردید.

در سال های گذشته کشاورزان به توسعه جهادی کشاورزی تشویق می شدند، در حالی که بدیهی است که توسعه کشاورزی بدون اکتساب فناوری موجب تخریب و اضمحلال جبران ناپذیر

1 -Intentionality

2 -Intermediate Fulfilment

سفره‌های آب زیرزمینی و ذخایر بین نسلی می‌شود. یعنی نشانه‌های نابودی سفره‌های بین نسلی آب، و کمبود آب امروز در توسعه کشت با امکانات موجود آن برهه زمانی قابل شناسایی بوده است اما این نشانه‌ها وارد گفتمان سیاست‌گذاری کشاورزی نگردید.

نشانه‌های انواع معضلات شهری از قبیل ترافیک و آلودگی هوا، کم‌آبی، ناچیز بودن فضاهای مشترک و غیره در ساخت‌وسازهای شهری پرتراکم قابل شناسایی بوده است، اما این نشانه‌ها هیچگاه وارد گفتمان سیاست‌های شهر سازی نگردید.

از مهمترین دغدغه‌های امروزی ما بیکاری است. این نشانه‌ها نیز در ده سال اخیر در سیاست‌های واردات اقلامی که با قدری همت، امکان تولید داخلی داشت، می‌توان یافت.

در سال‌های گذشته، برخی برای حمایت از توسعه داخلی، ساخت و تولید محصولاتی را مانند گوشتی همراه تلفن و یا صنعت خودرو در دستور کار قرار گرفت که کشور در آنها مزیت نداشت. اما این محصولات نه تنها در بازارهای جهانی حتی در بازارهای داخلی نیز در رقابت با محصولات خارجی که دارای مزیت بودند شکست خوردند. نشانه‌های دال بر شکست این محصولات در انتخاب طرح‌های فاقد مزیت رقابتی قابل شناسایی بوده است.

اطاله کلام در بیان مساله به این علت است که معلوم شود در این مقاله بدنبال چه هستیم؟ موارد فوق نشان می‌دهد که آینده یکباره و ناگهانی روی نمی‌دهد، بکه دارای آیات و نشانه‌هایی است اما آیات و نشانه‌های آینده مورد غفلت قرار می‌گیرد، بنابراین سؤال اصلی عبارتست:

چرا نشانه‌های آینده مورد غفلت قرار می‌گیرند؟

مرور نظری بر علل غفلت از علایم آینده

از دیدگاه زیسلر^۱ و هریس^۲ علت غفلت از علایم آینده، احاطه شدن نشانه‌ها توسط نویزها است (Harris & Zeisler, 2002:25). براین اساس نویزهای بیرونی (نوفه‌ها) منجر به تراکم اطلاعات بیش از حد محیطی و تفسیرهای گوناگون و در نهایت انفعال در تصمیم‌گیری می‌شود. از نظر مندونکا^۳ و همکاران به دلیل این که علایم آینده در مراحل اولیه و نوزادی قرار دارند مورد غفلت قرار می‌گیرند (Mendonca, 2004). یعنی این که این علایم در مراحل جنینی و نارس هستند و معلوم نیست که کدامیک از نشانه‌های آینده به بلوغ خواهد رسید.

از نظر بازرمن و واتکینز^۱، علت غفلت از نشانه‌های آینده، در سه لایه، روان‌شناختی، سازمانی و سیاسی قابل تبیین است. در لایه روان‌شناختی، افراد به دلیل سوگیری‌ها و تمایلات روانی و

1 -Zeisler

2 -Harris

3 -Mendonca et al

برای حفظ وضع موجود، از توجه بر نشانه‌های آینده (بوئژه علایم ناگوار) پرهیز می‌کنند. در لایه سازمانی، سازمان‌ها و ساختارها و فرایندهای سازمانی، برای حفظ قدرت و غیره اطلاعات محیطی از جمله نشانه‌های تحولات را در برای خود نگه می‌دارند، یا بخش‌های سازمانی مانع از اشاعه اطلاعات به سایر بخش‌ها می‌گردند. در لایه سیاسی، گروه‌ها و جریانات سیاسی برای بهره‌برداری سیاسی و قدرت، مانع از اشاعه و آگاهی دیگران از علایم آینده می‌شوند (Bazerman & Watkins, 2004).

از نظر شوماخر و دی^۲ علت غفلت از علایم آینده این است که افراد و سازمان‌ها به کوری ذهنی مبتلا می‌شوند. در دیدگاه آنها کوری ذهنی در افراد به دلایل فیلترهای ذهنی، اعتماد به نفس بیش از حد، سونگرهای تاییدکننده و بیزاری از ابهام و عدم قطعیت رخ می‌دهد. کوری ذهنی در سازمان نیز به دلیل غرور بیش از حد، عوارض تفکر گروهی، ساختار سازمانی و فرایندها و ابزارها روی می‌دهد (Schoemaker & Day, 2006).

برایان کافمن^۳ به علت غفلت از علایم آینده به سه طریق پاسخ می‌دهد. اول، علایم آینده مانند امواج الکترونیکی و رادیویی ممکن است فراسوی ادراک انسانی باشند چرا که این علایم با فرکانس‌های خارج از درک بشر در فضا منتشر می‌گردند. بنابراین افراد و سازمان‌ها باید مجهز به ساختارهای دریافت علایم آینده باشند. دوم، علایم آینده در حوزه درک بشری هستند، اما به دلیل مدل‌های ذهنی و فیلتر علایم، غفلت روی می‌دهد، بنابراین لازم است مدل‌های ذهنی فردی و سازمانی بازطراحی شوند. دسته سوم از علایم آینده آنها هستند که بر اساس مدل‌های ذهنی افراد و سازمان‌ها قابل درک هستند، اما اجازه ورود به سازمان، مباحث اجتماعی، گفت‌وگو، پیدا نمی‌کنند (Coffman, 1997).

در دیدگاه پیترسون^۴، علت غافل‌گیری نسبت به علایم آینده شگفتی سازها است. شگفتی سازها رخدادهایی هستند با احتمال تحقق پایین اما با پیامدهای بزرگ. شگفتی سازهای با توجه به این که از پیچیدگی برخوردار هستند، موجب گسیختگی تعادل در سیستم‌های انسانی می‌شوند، موجب شکل‌گیری شگفتی سازی‌های دیگری می‌شوند، بنابراین نظام‌های انسانی و اجتماعی در مقابله با شگفتی سازها دچار شوک‌های ناگهانی می‌شوند (Petersen, 1999).

در دیدگاه کاولتی^۵، علت غفلت از علایم آینده، وجود کاستی در نظام‌های هشداردهی است. در واقع نظام‌های هشداردهی سنتی فقط توانایی شناسایی تهدیدهای واضح، عینی و قوی را دارند، و از رصد و معنابخشی علایم کم‌سو و نشانک‌های ضعیف تغییر ناتوان هستند. بنابراین باید

1 -Schoemaker & Day
1. Day
2. Coffman
3. Petersen
4. Cavelty

نظام‌های هشداردهی را با رویکرد ایجاد قابلیت شناسایی زود هنگام اصلاح کرد . (Cavelty,2008)
در دیدگاه آنسوف^۱، سیستم‌های پوشش محیطی در سازمان‌ها، خود به مثابه فیلتر علایم آینده عمل می‌کنند، آنسوف چنین توضیح می‌دهد که غفلت از علایم آینده در سه سطح پایش و شیوه‌های تحلیل و روش‌شناسی در سطح فیلترهای ذهنی و در سطح فیلترهای قدرت رخ می‌دهد (Ansoff,1980).

اگرچه نظریه‌های فوق هر کدام از وجهی به «علل غفلت از علایم آینده» پرداخته‌اند، و دارای ارزش هستند. اما مهمترین کاستی آنها تبیین پدیده «غفلت از علایم آینده» به مثابه امری اجتماعی است. نظریه‌های فوق عمدتاً غفلت از آینده را بر اساس چهارچوب‌های نظری فنی و مهندسی، فردی و سازمانی مورد مطالعه قرار داده‌اند. در حالی که هویت، و نقش فرد و سازمان (به مثابه سوژه) در کلیت‌های بزرگتری رقم می‌خورد. این مقاله تلاش می‌کند «غفلت از علایم آینده» را در سنت اجتماعی بررسی کند.

چهارچوب نظری انتخابی

مؤلفه‌های چهارچوب نظری انتخابی برای تبیین علل غفلت از نشانه‌های آینده بر دو مؤلفه استوار است:

- نشانه‌شناسی
- از منظر اجتماعی

۱- نشانه‌شناسی

در انگلیسی semiology، همچنین Semiotics و یا Semeiotics از ریشه فارسی «سیمیا» یا «سیمما» در فارسی نوین و نیز در نظری دیگر از واژه یونانی σημεῖον (سیمئیون) به معنی نشانه) مطالعه نشانه‌ها و نمادها است. این علم در قلمرو نشانه (Sign) و معنا (Meaning) به پژوهش می‌پردازد و در حقیقت از واژگان علم پزشکی که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است. از دوران باستان، فیلسوفان، منطق‌دانان و دستور زبان‌شناسان، به تحقیق درباره نشانه‌ها مشغول بوده‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز، شاهد تلاش پی‌گیر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ادبیات‌پژوهان در جستجوی نظریه‌ای منسجم درباره دلالت بوده‌اند (دینه‌سن، ۱۳۸۰).

نشانه هر چیزی است که به غیر از خود دلالت دارد، بنابراین نشانه دارای فرم، ارجاع، و استفاده‌کنندگان است. از دیدگاه سوسور^۱ نشانه ساختار کلی است که از اتصال دال و مدلول بوجود می‌آید(ضمیران، ۱۳۸۲). در دیدگاه پیرس^۲ نشانه دارای سه وجه است، بازنمایی صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد، تفسیر، معنایی است که از نشانه دریافت می‌شود، و ابژه، آن شئی است که نشانه به آن ارجاع دارد(سجودی، ۱۳۸۳).

۱-۱- کاربرد نشانه‌شناسی در آینده پژوهی

هیلتونن با الهام از پیرس مفهوم نشانه‌ی آینده را پی‌ریزی کرد. او این مفهوم را بر اساس مدل نشانه‌شناسی پیرس بنا کرد. همانگونه که گفته شد مدل سه گانه پیرس شامل:

- بازنماگر^۳ (بازنمایی هم نامیده می‌شود نماد یا فرایندی که نماینده چیز دیگری است، ارایه واقعیت مربوط به جهان خارج از ذهن در قالب نمادهای ذهنی)،
- اثر معنا بخش^۴ (این اصطلاح در نظریه پیرس در مورد بازنمایی عبارتست از «اثر ذهنی» که از یک علامت در ذهن شخص می‌ماند و آن علامت را برای شخص با معنا می‌کند).
- و شئی^۵. و شئی آن چیزی است که نشانه به آن بر می‌گردد و مرجع نشانه است

مطابق مدل هیلتونن نشانه آینده، شامل سه بعد است: موضوع، علامت و تفسیر است. این سه بعد و تطابق آنها با علامت سه بعدی پیرس در شکل ۱ زیر ترسیم شده است (Hiltunen, 2007).

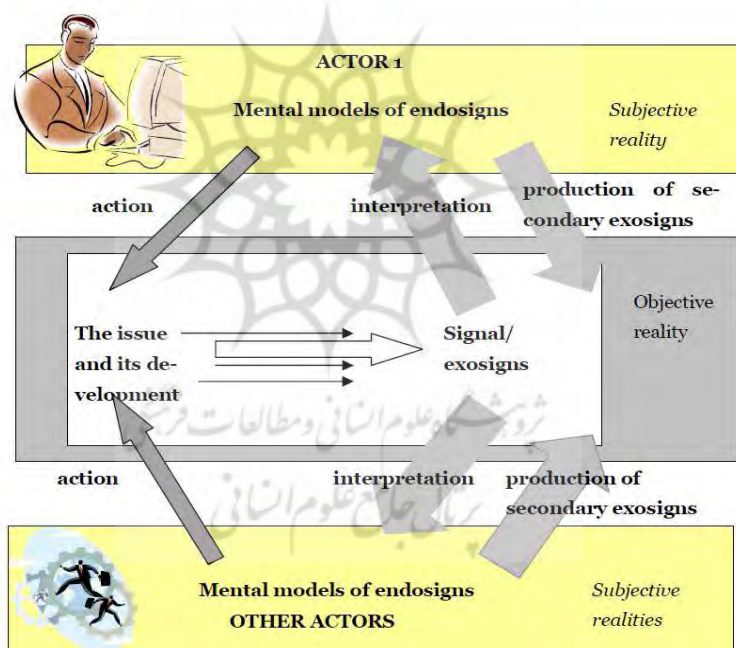


1. Saussure
2. Peirce
3. representant
4. interpretant
5. object

تفاوت مدل هیلتونن با پیرس در این است که پیرس بر نشانه‌های جدا از هم و منفرد تاکید دارد. مثلاً یک نشانه ترافیکی به صورت یک تکه فلز رنگی به ترافیک ارجاع دارد. اما هیلتونن فراتر از نشانه‌های منفرد بر فرایند دلالتی و اجتماعی نشانه تاکید می‌کند.

۱-۲- فرایند دلالتی آینده‌محور^۱

فرایند دلالتی در این نوشتار عبارتست از ظهور و توسعه موضوع‌ها و علایم/برون‌نشانه‌های مرتبط با آنها، تفسیر آنها (تبدیل برون‌نشانه‌ها به درون‌نشانه‌ها)، بازآفرینی برون‌نشانه‌ها (ثانویه) به منظور ارتباطات و کنش براساس علایم موضوع‌ها. این یک فرایند پیچیده‌ای است با پیوندهای متعدد درونی. شکل زیر فرایند دلالتی را با تمام درون‌پیوندها / تعاملات درونی نشان می‌دهد.



۱. دینه‌سن، آنه ماری؛ درآمدی بر نشانه‌شناسی، مظفر قهرمان، تهران، پرسش، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۱.

۲. ضیمران، محمد (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، نشر قصه، تهران.
۳. آسابرگر، آرتور (۱۳۷۹)، نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات باز، تهران.

[4] Hiltunen, E: The Future Sign and Its Three Dimensions, accepted for publication in Futures (2006)

فرایند دلالتی با ظهور و پدیدارشدن یک موضوع آغاز می‌گردد که آن موضوع از طریق علائم بازنمایی می‌شود یعنی برون‌نشانه‌ها (اولیه) (از این به بعد در این جا برون‌نشانه‌های علائم خوانده می‌شود).

توجه به این نکته حائز اهمیت است که موضوع خودش، با گذشت زمان توسعه می‌یابد و برون‌نشانه‌های اولیه بیشتری را از خود خلق می‌کند. این برون‌نشانه‌های ناشی شده از موضوع توسط بازیگر دریافت و سپس تفسیر می‌گردد. بازیگر می‌تواند بر اولین برون‌نشانه‌ها و یا برون‌نشانه‌های بعدی ناشی شده از موضوع توجه کند. در مرحله تفسیر بر اساس مدل ذهنی بازیگر، برون‌نشانه‌ها به درون‌نشانه‌ها تبدیل می‌شوند. براساس تفسیری که بازیگر از برون‌نشانه دارد، تصمیم می‌گیرد بر روی موضوع اقدام کند، گویی تلاش می‌کند تا بر موضوع تاثیر مستقیم بگذارد.

بازیگر برای سایر بازیگران نیز برون‌نشانه‌های جدید (که برون‌نشانه‌های ثانویه خوانده می‌شود) ارسال می‌کند تا از این طریق آنها را وادار به اقدام بر روی آن موضوع کند. اقدام بر روی موضوع با ارزش منفی یا مثبت (قانون اثر) برون‌نشانه‌های ثانویه که توسط بازیگر ایجاد شده است، ارتباط پیدا می‌کند (یعنی اگر بار ارزشی برون‌نشانه‌های اولیه که بازیگر اول ارسال می‌کند برای سایر بازیگران مثبت باشد دیگران هم بر روی موضوع اقدام می‌کنند و بالعکس). بازیگر دریافت کننده پیام بستگی به میزان مهارت‌هایش در امر رمزگشایی از پیامه تفسیر پیام می‌پردازد (هرچه مهارت رمزگشایی دریافت‌کننده بیشتر باشد تفسیر با اعتبار بالاتری انجام می‌گیرد). بازیگر دریافت‌کننده پیام هم بر روی موضوع دست به اقدام می‌زند و او هم و برون‌نشانه‌های جدیدی را برای دیگران ارسال می‌کند و همچنین این فرایند استمرار می‌یابد.

۳-۱ - مفاهیم کلید فرایند دلالتی آینده‌محور

در بخش‌های زیر مفاهیم کلیدی فرایند دلالتی را بررسی می‌شود. مفاهیم و بخش‌های مرتبط با آنها در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مفاهیم کلیدی فرایند دلالتی آینده‌محور و مفاهیم مرتبط با آن

مفاهیم مرتبط	انواع مفهوم	مفاهیم کلیدی
مفسر تاثیرگذار ذی‌نفع حواس ظرفیت یادگیری حافظه مدل ذهنی	شخص جامعه نوع بشر سایر یادگیرنده‌ها	بازیگر (بخش ۳،۱)
رابط ارزشی (دریافت و حقیقت) چرخه زندگی برنامه‌های کاری یا دستورهای کاری سطح موفقیت متغیر علاقه انطباق	طبیعی / اجتماعی قابل مهار/چیره‌شونده/ چیره شونده شدید	موضوع (بخش ۳،۳)
تولید حساس سانسور دست‌کاری اشاعه شکل‌گیری نظریه	اولیه ثانویه	برون‌نشانه (یعنی نشانک یا علایم) (بخش ۳،۲)

بازیگران در فرایند دلالتی

ما از مفهوم بازیگر با تعریف کاسی استفاده خواهیم کرد. بازیگر کسی است که در مرحله‌ای از زندگی خود باید حداقل قادر به انجام موارد زیر باشد.

یادگیری بر اساس حواس

ذخیره‌سازی اثرات یادگیری در حافظه و

تاثیر بر توسعه و بسط موضوعات مورد علاقه

بازیگران (از قبیل یک شخصیت انسانی منفرد، یک جامعه کوچک، نوع بشر) در فرایند دلالتی نقش کلیدی بازی می‌کنند. آنها ممکن است در چنین فرایندی به سه روش درگیر شوند، که آن

۱. یک بازیگر ضرورتاً انسان، جامعه بشری نیست: می‌تواند یک ماشین هوشمند یا حیوان هوشمند باشد. برای سادگی بحث مثال‌ها یا شخصیت منفرد انسانی است یا جوامع شری

سه روش با هم مانع‌الجمع نیستند: به عنوان مفسر، به عنوان تاثیرگذار و/یا ذی‌نفع. مفسر درون‌نشانه‌های مربوط به موضوع را در ذهن خود می‌سازد. درون‌نشانه‌ها در کارکرد حافظه به عنوان یک نظام کار می‌کنند که ما آن را مدل ذهنی بازیگر می‌گوییم. تاثیرگذار تلاش می‌کند که بتواند بر توسعه و بسط موضوع اثر داشته باشد و موضوع می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی بر ذی‌نفع داشته باشد.

برون‌نشانه‌های اولیه به ادراک و تفسیر بازیگر وابسته نیستند و بدون تفسیر برون‌نشانه‌های اولیه فرایند دلالتی به وجود خواهد آمد. در هر حال یک بازیگر ممکن است بر موضوع یا بر برون‌نشانه اولیه بدون هیچ تفسیری اثر بگذارد. مثلاً کسی ممکن است بدون ادراک و ملاحظه (ناخواسته) استثنائاً بر روی گیاهی پا بگذارد.

یک تاثیرگذار ممکن است بر روی موضوع مستقیماً تاثیر بگذارد یا برون‌نشانه‌های ثانویه را برای بازیگران دیگر ارسال کند. یک تاثیرگذار اگر نخواهد که سایر بازیگران واقعیت مربوط به موضوع را دریافت کنند، ممکن است دست به تخریب برون‌نشانه‌ها زند. چرا که نمی‌خواهد دیگران حقیقت موضوع را بفهمند.

بازیگر ممکن است یک ذی‌نفع منفعل در مقابل موضوع باشد بدون هیچ‌گونه ارایه تفسیر شخصی از آن. ذی‌نفع بودن یعنی این که توسعه و بسط و یا تحول موضوع بر او تاثیر بگذارد.

۲- از منظر پدیده نشانه‌شناختی لاکلاو و موفه

از نظر پدیده نشانه‌شناختی لاکلاو و موفه، کلیتی معنایی وجود دارد که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد و از طریق ارتباط با سایر نشانه‌ها تثبیت می‌شود. در این منظر همه چیز از جمله علایم و نشانه‌های آینده نوعی سازه معنایی بشمار می‌روند که به مثابه جزئی از یک نظام معنایی گسترده‌تر (گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی) قابل درک و فهم می‌باشد.

بر این اساس علل غفلت از علایم آینده به شرح زیر تبیین می‌شود

بر اساس مفصل‌بندی^۱: مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و... بوجود می‌آید و چنان رابطه‌ای ایجاد می‌شود هویت اولیه آنها دستخوش تحول می‌گردد و هویت جدید بر ساخته می‌شود. بنابراین آن کلیت ساختار یافته در اثر عمل مفصل‌بندی میان مولفه‌های گوناگون شکل می‌گیرد. اگر مفصل‌بندی‌های معنایی حاکم بر جامعه بر اثر کنش کوتاه مدت‌نگر (مانند مطالبه‌گری کوتاه مدت رای دهندگان و پاسخ کوتاه مدت از طرف

رای گیرندگان) به وضعیت تثبیت رسیده باشند علایم آینده در این نوع از مفصل‌بندی‌ها معنایابی نمی‌شوند، و طبیعتاً آینده مورد غفلت قرار می‌گیرد.

بر اساس دال یا نقطه مرکزی یا گره‌گاه^۱: دال مرکزی آن نشانه‌ای است که به تثبیت موقت رسیده است. این نشانه، یک گره‌گاه مرکزی است که سایر نشانه‌ها در سایه آن نظم پیدا می‌کنند، و حول آن مفصل‌بندی می‌شوند. اگر دال مرکزی مفصل‌بندی معنایی حاکم بر جامعه کوتاه‌مدت باشد، نشانه‌ها و علایم آینده که مربوط به بلندمدت و آینده است مورد غفلت قرار می‌گیرند.

بر اساس عناصر^۲: عناصر نشانه‌هایی هستند که هنوز معنای آنها تثبیت نشده است، یعنی قابلیت داشتن معناهای چندگانه را دارند. گفتمان‌ها تلاش می‌کنند از طریق تقلیل چند معنایی و تثبیت کامل یک معنا عناصر را به لحظه، وقته، یا بُعد^۳ تبدیل کنند. اگر علایم و نشانه‌های محیطی که معناهای بلندمدت و کوتاه مدت دارند، به معناهای کوتاه مدت تثبیت شده باشند، از جا کردن این معناها دشوار خواهد بود، بنابراین معناهای بلندمدت به حاشیه می‌روند.

دال‌های شناور^۴: در نظریه گفتمان، عنصرهایی را که به روی انتساب معانی گوناگون باز هستند، را دال‌های شناور گفته می‌شود. دال‌های شناور، نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به روش خود معنای مورد نظر خود را بر آنها تثبیت کنند. گفتمان‌ها برای تثبیت معنا بر سر این دال‌ها با هم کشمکش می‌کنند. اگر در رقابت بین گفتمان‌های کوتاه مدت و گفتمان‌های بلندمدت برای انتساب معانی به نشانه‌ها، گفتمان‌های کوتاه‌مدت و توده‌گرا بر گفتمان‌های بلندمدت پیروز شوند، در آن صورت علایم آینده مورد غفلت قرار می‌گیرند.

بر اساس دال خالی^۵: دال خالی^۵ یعنی دال‌هایی که فاقد مدلول هستند، نوعی تهی بودن و کمبود در دال‌ها است. این دال‌ها نشانه بحران‌ها، تقاضاها و بی‌قراری‌های موجود در گفتمان مسلط بوده که پس از ساختارشکنی گفتمان مسلط معمولاً در جای دال مرکزی گفتمان جدید قرار گرفته و مفصل‌بندی گفتمانی جدیدی حول آن شکل می‌گیرد. اگر در جامعه‌ای بی‌قراری‌ها و دغدغه‌ها به مثابه دال‌های تهی از نوع کوتاه مدت باشد با جابجایی گفتمان‌های سیاسی همچنین علایم آینده مورد غفلت قرار می‌گیرد.

-
1. Nodal Point
 2. Elements
 3. Moment
 4. Floating signifiers
 5. Empty signifier

نتیجه گیری

اصلی ترین پرسش این پژوهش این بود که چرا با وجود علایم و نشانه های جهان آینده، این نشانه ها مورد غفلت قرار می گیرند و در مقابل تحولات غافل گیری رخ می دهد؟

نشانه های آینده از همه نوع شمایی، تصاویر و هنر، نشانه های طبیعی مثل رابطه های طبیعی، نشانه های نمادین مثل تغییرات گفتمان ها و چرخش زبانی در محیط پیرامون ما موجود هستند. اما این نشانه ها خودبخود معنای و مفهومی مستقلی ندارند در واقع مدلول این نشانه های آینده در نظام های معنا بخشی گوناگون یکسان نیستند.

در جوامعی که مفاهیم، نشانه ها، علایم و غیره حول دال مرکزی زمان حال مفصل بندی شده اند، نظام های معنایی با دال مرکزی جامعه بلندمدت به حاشیه رانده می شوند. چون نشانه های آینده علایم تحولات آینده ی میان مدت و بلندمدت هستند، در چنین فضایی چهارچوب های معنا بخشی کوتاه مدت و لحظه ای هژمونیک می شود و همواره چهارچوب های معنا بخشی با دال مرکزی جامعه ی پایدار و بلندمدت نمی تواند بر حسته شود. نشانه ها و علایم تغییر بدور از چشم بازیگران و سیاست گذاران به شکل تهدیدهای عینی ظاهر می شوند و موضوعات اجتماعی در مراحل تحول خود به چالش های امنیتی و سیاسی تبدیل می گردند.

کنش میان عناصر مختلف از قبیل مفاهیم، دال ها، نمادها و ایجاد رابطه بین آنها به گونه ای است که در مفصل بندی های معنایی کوتاه مدت امکان معنا بخشی به نشانه های آینده وجود ندارد. در جوامع کوتاه مدت نشانه های آینده هیچگاه در چهارچوب و مفصل بندی متناسب قرار نمی گیرند. مفصل بندی کوتاه مدت در نزاع معنایی با چهارچوب های بلندمدت همواره تسلط و تصلب دارد. زندگی و حیات در نظام های معنایی کوتاه مدت گویا در لحظه محدود و خلاصه می گردد و افق زمان در آگاهی وارد نمی شود. با تسلط و انسداد معنا بخشی از نوع لحظه ای، موقعیت را برای عامل اجتماعی برای کنش گری اجتماعی بلندمدت بسیار محدود و دشوار است.

کتاب نامه

۱. ساکالوفسکی، رابرت (۱۳۸۴)، درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمد رضا قربانی، تهران، گام نو.
۲. دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، درآمدی بر نشانه شناسی، مظفر قهرمان، تهران، پرسش، چاپ اول
۳. ضیمران، محمد (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.
۴. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا زیر نظر فرزانه سجودی، انتشارات سوره مهر، تهران.

۵. سجودی، فرزانه (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی کاربردی، نشر قصه، تهران.
۶. آسابرگر، آرتور (۱۳۷۹)، نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات باز، تهران.
7. Mendonca, Sandro(2004), "*Wild Cards, Weak signals and Organizational Improvisation*", *Futures*, 36, 201-218.
8. Bazerman, Max H, Watkins, Michael D (2004), "*Predictable Surprises: The Disasters You Should Have Seen Coming, and How to Prevent Them*", Harvard Business School Press
9. Schoemaker, Paul J. H., Day, George S.(2006), "*Peripheral Vision: Detecting the Weak Signals That Will Make or Break Your Company*", Harvard Business School Press
10. B. Coffman (1997), "*Weak Signal Research, Part II: Information Theory*", <http://www.mgtaylor.com/mgtaylor/jotm/winter97/infotheory.htm>
11. Harris, S.D. and S. Zeisler (2002) "*Weak signals: Detecting the next big thing*", *The Futurist*, November-December, pp. 21-28.
12. Peter Saul(2006), " Seeing the Future in Weak Signals", *Journal of Futures Studies*, Vol 10, No. 3, pp. 93-102.
13. Hiltunen,Elina(2007), "*The Future Sign And Its Three Dimension*", *Futures*.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی